

تأملی در چگونگی تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی (با تأکید بر دوره تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۶۰-۵۷)

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۲

تاریخ تأیید: ۹۶/۳/۳

غلامرضا بهروزی لک *

علی آقاجانی **

محور مقاله حاضر، بررسی ابعاد و روند تأثیر مناقشات کلام سیاسی - به‌عنوان یکی از عوامل مهم - بر رقابت‌های سیاسی در دوره تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران است. برای این منظور با برخی دخل و تصرفات، از روش اسکینر در بررسی زمینه‌های ذهنی و عینی، و تقسیم‌بندی دیوید ساندرز در چهره‌های ثبات و بی‌ثباتی در واکاوی تأثیر مناقشات بر رقابت‌های سیاسی الهام و بهره گرفته شده تا شرایط شکل‌گیری مناقشات کلامی - سیاسی و رقابت‌های سیاسی برآمده از آن در دوره تأسیس جمهوری اسلامی بررسی شود. مهم‌ترین مناقشات کلام سیاسی این دوره، ابعاد سیاسی توحید، جامعیت، مشروعیت، اسلام و حاکمیت ملی است. تغییر رژیم، تغییر حکومت، چالش‌های مسالمت‌آمیز و چالش‌های خشونت‌آمیز، چهار شکل اثرپذیری از مناقشات کلامی به شمار می‌آید. بر این پایه، مرام‌نامه‌ها تأثیر مستقیم حداکثری، مواضع و رویکردهای سیاسی تأثیر مستقیم حداقلی، تأسیس احزاب سیاسی جدید تأثیر غیرمستقیم حداکثری و رخدادهای سیاسی تأثیر غیرمستقیم حداقلی است. مقاله بر آن است که این دوره شاهد افزایش رقابت‌های سیاسی و افزایش بی‌قاعدگی‌های رقابت سیاسی بر اثر افزایش مناقشات کلامی - سیاسی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مناقشات کلام سیاسی، رقابت سیاسی، جمهوری اسلامی، بی‌قاعدگی رقابت سیاسی.





۱. مقدمه

کلام سیاسی یکی از حوزه‌های نوظهور علمی در اندیشه سیاسی اسلامی است که هنوز تعریف اجماعی و استاندارد نیافته است. برخی آن را مترادف با الهیات یا ایدئولوژی^۱ پنداشته‌اند که با وجود تطبیق‌های کلی، نمی‌توان آنها را به‌طور کامل در هم مندرج دانست. در جمهوری اسلامی بیشتر جناح‌های سیاسی مؤثر، از همان ابتدای انقلاب نوعی وابستگی دینی و ترکیبی از اندیشه دینی را در تفکر خود داشته‌اند. از این رو، انواع تفاسیر و تعبیر دینی از زندگی سیاسی، به کانون و گرانیگاه رقابت‌های سیاسی بدل گشت.

بر این پایه، فرضیه مقاله در پاسخ به پرسش از چگونگی و فرایند تأثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی آن است که کلام سیاسی به‌عنوان بخشی از اندیشه سیاسی اسلامی در کنار عوامل متعدد و پیچیده، به‌ویژه بازیگری‌های عرصه قدرت، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رقابت‌های سیاسی در طول ادوار سیاسی جمهوری اسلامی اثرگذار بوده است که مقاله درصدد تبیین روند این اثرگذاری با نگاهی مصداقی به دوره نخست تکوین نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۶۸) است. بر این اساس، مقاله در پی یافتن زمینه‌ها و تأثیرات مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله، مدلی ترکیبی است که در آن از دیدگاه‌های اسکینر و دیوید ساندرز به‌صورت گزینشی و تلفیقی و نه تام و تمام الهام گرفته و با دخل و تصرف بهره برده شده است. در این مدل با استشهاد به هرمنوتیک قصدگرای اسکینر و نظریات ساندرز و برخی نوآوری‌ها می‌توان مجموع مقاله را پوشش داد.

به اعتقاد اسکینر به‌جای تکیه صرف بر خود متن یا زمینه‌های سیاسی - اجتماعی شکل‌گیری متون، باید در تعاملی چندجانبه میان متن و زمینه‌های زبان‌شناختی عام، از جمله زمینه‌های فکری - فرهنگی و شرایط و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی به مطالعه و فهم تفکر

۱. درباره رابطه ایدئولوژی و کلام سیاسی می‌توان گفت با توجه به اختلافات موجود در تعریف ایدئولوژی، چنانچه ایدئولوژی را با جهان‌بینی و باید و نبایدها مساوی بدانیم، با توجه به اینکه ایدئولوژی مفهومی دینی نیست، نمی‌توان کلام سیاسی را همان ایدئولوژی دانست؛ ضمن آنکه اعم از سیاسی و غیرسیاسی نیز می‌باشد. حتی چنانچه فرض کنیم این دو کاملاً بر هم منطبق‌اند (که اگر باشد، مطلق کلام است، نه کلام سیاسی) ایرادی در به‌کارگیری واژه کلام سیاسی نیست که واژه‌ای درون‌دینی و مرجع است.

سیاسی اندیشمندان پردازیم (اسکینر، ۱۳۷۲، ص ۸۶؛ تولی، ۱۳۸۳، ش ۲۸). از این دیدگاه در بررسی زمینه‌های عینی و ذهنی محیط شکل‌گیری مناقشات کلام سیاسی و رقابت‌های سیاسی استفاده می‌شود.

از سوی دیگر، دیوید ساندرز در برشمردن چهره‌های بی‌ثباتی، از پنج پیامد تغییر رژیم، تغییر حکومت، تغییر جامعه، چالش‌های خشونت‌آمیز و چالش‌های مسالمت‌آمیز همراه با شاخص‌ها و مصادیقی نام می‌برد (ساندرز، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷-۱۲۶) که با الغای خصوصیت و دخل و تصرف و افزودن برخی موارد دیگر برای کامل‌تر شدن، می‌تواند برای این تحقیق راهگشا باشد.

در مقاله، چالش‌های مسالمت‌آمیز و چالش‌های خشونت‌آمیز نقش اصلی را دارند؛ ضمن آنکه تأثیر به دو گونه مستقیم و غیرمستقیم قابل تصور است. تأثیر مستقیم، تأثیری است که در آن اثرگذاری و اثرپذیری بدون واسطه است و میزان کمی و کیفی اثرگذاری و اثرپذیری بسیار بالاست. اثرگذاری مستقیم می‌تواند حداکثری و به معنای حداکثر تقارب و تقارن مستقیم یا حداقلی و به معنای حداقل تقارب و تقارن مستقیم باشد. اما تأثیر غیرمستقیم، تأثیری است که در آن اثرگذاری و اثرپذیری با واسطه صورت می‌گیرد؛ عوامل و متغیرهای گوناگون به شکلی متداخل حضور پیدا می‌کنند و نفوذ را کاهش می‌دهند. تأثیرگذاری غیرمستقیم را نیز می‌توان به دو شکل تأثیر غیرمستقیم حداکثری و تأثیر غیرمستقیم حداقلی تقسیم‌بندی کرد.

بدین ترتیب، تأثیر مناقشات کلامی - سیاسی را بر مواضع و رویکردها، تأثیر مستقیم حداقلی است و تأثیر مناقشات کلامی - سیاسی را بر مرام‌نامه‌ها، از آن‌رو که امکان تأثیر دیگر عوامل کمتر وجود دارد، می‌توان تأثیرات مستقیم حداکثری دانست. بر همین اساس، تأثیرات غیرمستقیم حداکثری را که دربردارنده بیشترین ارتباط غیرمستقیم با مناقشات است، تأثیر مناقشات کلامی - سیاسی بر شکل‌گیری احزاب جدید و تأثیرات غیرمستقیم حداقلی را که حاوی میزان خلوص و ارتباط غیرمستقیم کمتری با مناقشات است، تأثیر مناقشات کلامی - سیاسی بر رخدادهای سیاسی به‌شمار آورد. چالش‌های خشونت‌آمیز نیز اساساً غیرمستقیم هستند.



۳. مفاهیم

الف) کلام سیاسی

کلام سیاسی یکی از حوزه‌های دانش سیاسی اسلام است که هنوز شکل منظم و دقیقی نیافته و از دو بخش کلام سنتی و کلام جدید تشکیل می‌شود که هر یک چندین تعریف و رویکرد دارد. هم در تعریف کلام در میان عالمان این علم در قدیم و اکنون همگونی وجود ندارد (فارابی، ۱۹۹۶م، ص ۸؛ صدوق، ۱۳۷۱، ص ۴۵؛ مفید، ۱۳۷۲، ص ۹؛ لاهیجی، ۱۳۸۷، ص ۵؛ مطهری، بی‌تا، ص ۳۰) و هم در تعریف و رویکرد به کلام جدید نگرش‌های متفاوتی دیده می‌شود (واعظی، ۱۳۷۵، ص ۹۷-۱۰۰؛ سبحانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷-۹). به نظر می‌رسد تعریف صادق لاریجانی از کلام، تعریف مقبولی است. وی تعریف علم کلام را به «علمی که دفاع عقلانی از اعتقادات دینی را متکفل است»، دور از واقعیت نمی‌داند. مقصود وی از «عقلانی» معنایی موسع است؛ به طوری که استناد به نقل را نیز در صورتی که اصل استناد از سوی عقل، تصحیح و توجیه شده باشد، دربرمی‌گیرد. مقصود از «دفاع» نیز امری اعم از «اثبات»، «تقویت»، «توجیه» «تبیین» و «تفسیر» مفاهیم دینی است (لاریجانی، ۱۳۷۵، ص ۱۰-۳۶). از این رو، باید توجه داشت که کلام، هم ماهیتی دفاعی، هم واسطه‌ای و هم تبیینی دارد؛ چنان که برخی صاحب‌نظران بر این رأی هستند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۷۸، ص ۲۰-۴۰).

از کلام سیاسی تعاریف اندک، ولی متفاوتی وجود دارد (بهرزولک، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵-۷۹؛ خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۵۰۴ و ۵۰۹). بر پایه مطالب پیش گفته، تعریف مختار از کلام سیاسی عبارت است از: فهم، تبیین، اثبات، تنسیق، تنظیم، تصحیح، توجیه، کارآمدسازی و دفاع از آموزه‌های کلان و نظام اعتقادی و ایمانی سیاسی که با روش‌های گوناگون عقلی و نقلی و با دغدغه دینی صورت می‌گیرد و می‌تواند به پرسش‌های فلسفه سیاسی پاسخ دهد. از این نظر عقاید دینی صرفاً اصول اعتقادی دینی را دربرنمی‌گیرد، بلکه هر دیدگاه کلانی را شامل می‌شود که به نگرش دین به امور گوناگون دنیایی و آخرتی و امور انسانی تعلق دارند. البته این تعریف با حوزه فقه سیاسی در مواردی هم‌پوشانی نیز دارد، اما رویکردها و روش‌ها متفاوت است و منطبق بر هم نیست (بهرزولک، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵).

ب) رقابت سیاسی

در بیشتر لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها، رقابت و رقیب چنان یکدیگر توضیح داده شده است. برخی رقابت را نوعی هم‌چشمی کردن همراه با نگرهبانی و مراقبت از مواضع و عملکرد رقیب دانسته‌اند (معین، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶۶). فرهنگ عمید رقابت و رقیب را در دو ستون بررسی



کرده و ذیل رقابت نگهبانی کردن، انتظار کشیدن، چشم داشتن بر چیزی، هم‌چشمی کردن و چشم‌داشت را آورده است (عمید، ۱۳۷۹، ص ۷۰۴). براین اساس، به نظر می‌رسد رقابت با نقد، مواظبت و محافظت و انتظار رابطه‌ای تنگاتنگ و وجودی دارد و این سه جزء ارکان معنای آن شمرده می‌شوند. بدین ترتیب می‌توان گفت رقابت سیاسی، نوعی نقد و محافظت و مترصد رقیب بودن در اداره کشور و کسب قدرت است تا هرگاه دچار خطا یا اشتباهی گردید، آن را گوشزد نماید و عیان سازد.

ج) دوره تأسیس

دوره تأسیس، دوره فراز و نشیب‌های بسیار و سیالیت شدید و درگیری‌های بی‌ثبات‌کننده است که از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ را دربرمی‌گیرد. نقطه عطف دوره تأسیس، وقوع انقلاب اسلامی است. جناح‌ها و جریان‌های مؤثر در آن و مرتبط با مقاله را می‌توان بدین ترتیب برشمرد:

(۱) جناح اسلام‌گرای سیاسی تابع امام خمینی: شامل حزب جمهوری اسلامی، جامعه مدرسین قم، جامعه روحانیت مبارز تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و گروه‌های خیابانی حزب‌الله و گروه‌های کوچک‌تر، که وجه مشترکشان پیروی از امام خمینی و سران روحانی مبارز است.

(۲) جناح اسلام‌گرای تابع غیرامام: در این جناح می‌توان از انجمن حجتیه نام برد که در دوره پهلوی، رویکرد و سیاست دیگری داشت.

(۳) جناح لیبرال اسلامی: مهم‌ترین احزاب آن به‌رغم تفاوت‌هایی، نهضت آزادی و حزب جمهوری خلق مسلمان بودند.

(۴) جناح سوسیالیست‌های اسلامی: طیف‌های متنوعی از بنی‌صدر تا سازمان مجاهدین خلق و جنبش مسلمانان مبارز، جاما، گروه میثمی، گروه‌های شریعتی‌گرا، گروه فرقان، آرمان مستضعفین و... را دربرمی‌گیرد.

۴. زمینه‌های اثرگذار بر مناقشات کلام سیاسی در دوره تأسیس نظام جمهوری

اسلامی ایران

الف) زمینه‌های ذهنی

یک - تراث کلام سیاسی: تراث کلام سیاسی را می‌توان به تراث دور و تراث نزدیک تقسیم کرد. تراث کلام سیاسی دور، ذخایر انباشت شده، نهادینه شده و تاریخی از عقاید و کلام اسلامی و شیعی است. تراث کلام سیاسی نزدیک را می‌توان از دوره مشروطه به این





سو دانست که ادبیات تازه‌ای در محیط کلام سیاسی تولید می‌شود و جریان‌های پدیدآمده در آن تا امروز امتداد دارد و به حیات خود ادامه می‌دهد و آن را «کلام جدید» می‌نامند (نک: اوجیبی، ۱۳۸۷؛ یوسفیان، ۱۳۹۰؛ شیروانی و دیگران، ۱۳۹۱؛ فرامرز قراملکی، ۱۳۷۸). در این میان، مفاهیم تازه‌ای مانند حکومت مشروطه، استبداد و استبداد دینی، دموکراسی، آزادی یا کاربردهای تازه از مفاهیم پدید می‌آید که تا امروز محور مباحث و جریان‌هاست.

دو - ایدئولوژی‌های رقیب درونی: ایدئولوژی‌های رقیب درونی در این دوره بر ساخته از تراش پیش از پیروزی است. فارغ از ایدئولوژی‌های غیردینی، برخی از سه گفتمان اسلام سیاسی لیبرال، اسلام سیاسی فقهاتی و اسلام سیاسی چپ در درون اسلام سیاسی سخن گفته‌اند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۷۱-۲۷۶) و عده‌ای دوگانه اسلام‌گرایی و سکولاریسم را مطرح کرده‌اند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۵۰). در این دوره، دال مرکزی اسلام سیاسی فقهاتی و ولایت فقیه و شریعت، دال مرکزی اسلام سیاسی لیبرال، دموکراسی و آزادی و دال مرکزی اسلام سیاسی چپ، عدالت، برابری و مبارزه با امپریالیسم است.

سه - ایدئولوژی‌های رقیب بیرونی: ایدئولوژی‌های رقیب بیرونی اثرگذار در این دوره، مارکسیسم و انشعابات آن، لیبرال‌دموکراسی، سوسیال‌دموکراسی و ناسیونالیسم هستند. هژمونی عدالت‌خواهانه ایدئولوژی مارکسیسم تأثیری جدی بر اندیشه این دوره و حتی بر اسلام‌گرایان دارد. البته مارکسیسم به‌مثابه علم، اثر پردامنه‌ای بر سازمان مجاهدین خلق و تا حدودی گروه فرقان می‌گذارد؛ به‌طوری‌که آنها مارکسیسم را به‌عنوان علم مبارزه مطرح می‌سازند. ایشان توحید را اصل اساسی اسلام معرفی و در رقابت با مارکسیست‌ها، جامعه بی‌طبقه توحیدی را علم می‌کنند (نک: بادامچیان، ۱۳۶۰؛ بنی‌صدر، ۱۳۵۷).

سوسیال‌دموکراسی یا سوسیالیسم اروپایی نیز که خود متأثر از مارکسیسم است، بر فضای ایران اثر می‌گذارد (هالوی، ۱۳۵۷، ص ۱-۹). تمامی گروه‌های چپ اسلامی به‌نوعی متأثر از آن هستند و در میان اسلام‌گرایان نیز نفوذ قابل توجهی دارد. لیبرال‌دموکراسی (نک: لوائین، ۱۳۸۰؛ مردیها، ۱۳۸۶، ایمان، ۱۳۹۳) از جمله ایدئولوژی‌های مؤثر بر فضای اندیشه سیاسی این دوره است. این ایدئولوژی بر گفتمان اسلام لیبرال و گفتمان ملی‌گرا تأثیر قابل توجهی دارد و بر طیف‌هایی از اسلام‌گرایان نیز تا حدودی مؤثر است. نهضت آزادی و جبهه ملی از اثرپذیران این ایدئولوژی‌اند و دولت موقت مهم‌ترین نماینده گفتمانی آن به شمار می‌آید. انتخاب «جمهوری اسلامی» به‌جای «حکومت اسلامی» تا حدودی برخاسته از اثرگذاری این گفتمان به شمار

می‌آید.

ناسیونالیسم دیگر ایدئولوژی بیرونی اثرگذار است که به معنای اصالت ملی سرزمینی در برابر انترناسیونالیسم یا جهان‌وطنی است (سیاوشی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴-۱۷۵). در دوره تأسیس، تجلی‌اعلای گفتمانی آن را در گفتمان لیبرال، اعم از اسلامی و غیراسلامی می‌توان مشاهده کرد. در این دوره ناسیونالیسم در مقابل انترناسیونالیسم اسلامی قرار می‌گیرد که به «امت» در برابر «ملت» وزن ارزشی بیشتری می‌دهد.

(ب) زمینه‌های عینی

یک - از نظر سیاسی: دوره تأسیس (۱۳۵۷-۱۳۶۰) برآمده از پیروزی انقلاب اسلامی و شرایط حاصل از آن است. اصل پیروزی انقلاب ناشی از وقوع شکاف‌ها و بحران‌هایی در نحوه تعامل جامعه و حکومت بود. سه شکاف عمده دین و دولت، مرکز - پیرامون و داخل و خارج را می‌توان در این جهت برشمرد (شفیعی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۵-۲۸۸).

پس از پیروزی، مسئله چگونگی مواجهه با نهادهای قدیم و استقرار نهادهای جدید مهم می‌نمود (فوزی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۰). در این دوره در صحنه آرایش قدرت نیز کشمکش‌های فراوانی اتفاق افتاد و شورای انقلاب بر مسائل اصلی کشور نظارت داشت.

پاگیری دولت موقت به ریاست مهدی بازرگان، دومین گام بود که در پانزدهم بهمن ۱۳۵۷ اتفاق افتاد. گزینش بازرگان نقطه تعادل نگاه سیاسی رهبران انقلاب و مرکز تعادل خط‌کشی‌های رقابت سیاسی را نشان می‌داد. ورود بنی‌صدر به جایگاه ریاست جمهوری، آوردگاه اساسی در چینش نیروهای سیاسی بود. با انتخاب بنی‌صدر ائتلافی از نیروهای لیبرال اسلامی، لیبرال ملی و سوسیالیست اسلامی علیه اسلام‌گرایان سیاسی پدید آمد. در مقابل نیروهای اسلام‌گرا در انتخابات مجلس منسجم شدند و توانستند مجلس اول را در اختیار خود گیرند. در این دوره رهبری بلامنزاع امام خمینی، مهم‌ترین مؤلفه عرصه سیاسی است و نظام سیاسی آمیزه‌ای از اقتدار سنتی، اقتدار عقلانی و اقتدار شخصیتی (کاریزماتیک) با غلبه نسبی اقتدار شخصیتی (کاریزماتیک) است (بشیریه، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

دو - از نظر فرهنگی: انقلاب موجب رواج موجی از تمسک به اسلام و نیز موجی از آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی گردید. رواج روحیه از خودگذشتگی، ایثار، توجه به هم‌نوعان،



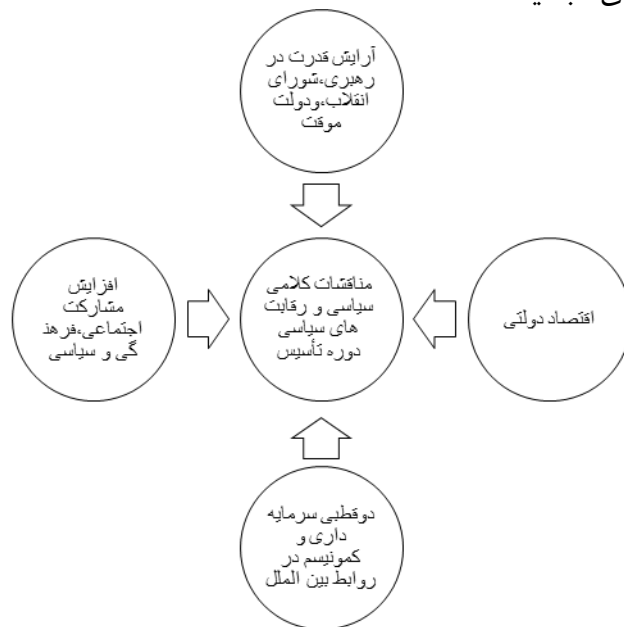


ساده‌زیستی، همکاری، مبارزه، استبدادستیزی و استکبارستیزی رهاورد انقلاب بود. آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها مورد توجه خاص گروه‌های سیاسی قرار داشت که همین امر موجب طرح مسئله انقلاب فرهنگی و تعطیلی موقت چند ساله شد (روشن‌نهاد، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷-۱۲۸).
سه - از نظر اجتماعی: در این دوره تمایل به مشارکت اجتماعی - سیاسی و دخالت در سرنوشت افزایش یافت و عدالت اجتماعی و توزیع برابر امکانات به مهم‌ترین موضوع تبدیل شد. طبقات اجتماعی متوسط و پایین بیشترین حمایت را از انقلاب صورت دادند و دولت موقت از لایه‌هایی از طبقه متوسط انقلابی و غیرانقلابی برخوردار بود (اسماعیلی، ۱۳۸۰، ص ۵۰).

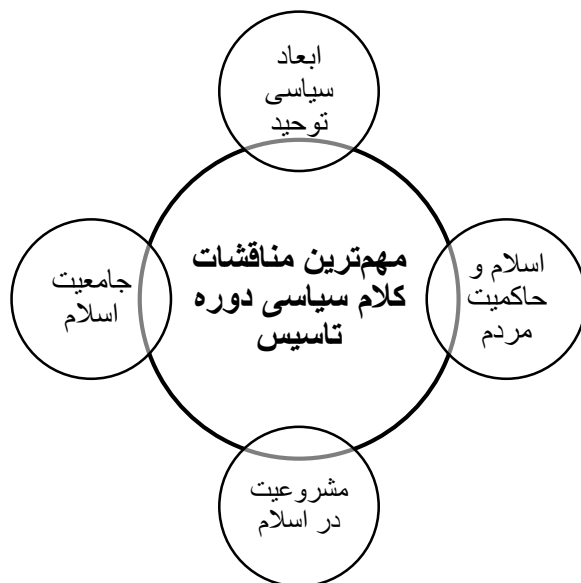
چهار - از نظر اقتصادی: دولت موقت اگرچه به دنبال فربه نشدن اقتصاد دولتی است،

با ملی شدن اقتصاد و فشار افکار عمومی و گروه‌های سیاسی توفیقی به دست نیامد.

پنج - از نظر سیاست خارجی: شعار «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» از همان ابتدا نه تنها سمت‌وسوی سیاست خارجی، که سیاست فرهنگی را نیز مشخص می‌کرد (ازغندی، ۱۳۸۹، ص ۲۰-۳۰). شعله بالای روحیه ضداستکباری و دمیدن گروه‌های چپ بر آن و نیز پذیرش محمدرضا پهلوی از سوی آمریکا، در نهایت به تسخیر سفارت آمریکا و آغاز خصومت چند دهه‌ای انجامید.



۵. صورت‌بندی مناقشات کلام سیاسی در دوره تأسیس نظام جمهوری اسلامی در دوره تأسیس، مناقشات و مؤلفه‌های متعددی از کلام سیاسی وجود دارد که بر رقابت‌های سیاسی اثرگذار است که به بررسی برخی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.



الف) ابعاد سیاسی توحید

در این دوره بحث توحید در سیاست بسامد بالایی دارد و از این‌رو، اختلاف دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌ها درباره آن دیده می‌شود. نگرش به توحید در عبادت و حاکمیت و نقطه مقابل آن شرک در عبادت و حاکمیت، نفی و اثبات جامعه بی‌طبقه توحیدی، توحید و قانون‌گذاری از مباحث عمده این مقوله به شمار می‌آید. در واقع پرسش آن است که: چه جامعه، سیاست و حاکمیتی توحیدی است و چه جامعه، سیاست و حاکمیتی شرک‌آلود است و مصادیق آن کدام است؟ برخی هرگونه اطاعت از افراد یا محدود شدن آزادی را خروج از توحید و شرک سیاسی می‌پندارند و پاره‌ای دیگر، اطاعت از افرادی را که امر خدا بدان است، عین توحید می‌دانند. گروهی از جامعه بی‌طبقه توحیدی سخن می‌گویند و گروه دیگر جامعه بی‌تفاوت را توحیدی نمی‌انگارند.

امام خمینی توحید را مبنای تمامی اعتقادات و نیز عقاید سیاسی اسلامی دانسته، بر آن است که انسان تنها در برابر خدا باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند؛ مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۸۷).

۱۵ مطهری بر آن است که نه‌تنها نتیجه اعتقاد به خدا پذیرش حکومت مطلقه افراد نیست





و حاکم در مقابل مردم مسئولیت دارد، بلکه تنها اعتقاد به خداست که حاکم را در مقابل اجتماع مسئول می‌سازد و افراد را ذی‌حق می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸ ص ۵۵۵). در زمانی که بحث جامعه بی‌طبقه توحیدی در محافل اجتماعی - علمی زبانزد است و هرکس درکی از آن ارائه می‌دهد، مطهری به بحث جامعه بی‌طبقه توحیدی یا اسلامی نیز اشاره و آن را جامعه بی‌تبعیض، جامعه بی‌محروم، جامعه بی‌طاغوت، جامعه عادلانه، جامعه بی‌ظلم، و نه جامعه بی‌تفاوت که خود نوعی ظلم و بی‌عدالتی است، تعریف می‌کند.

در طرح نظری بازرگان، استبداد ملازم با شرک است. از نظر وی اعتقاد به «قدرت مطلق برای یک فرد یا یک صنف» و قایل شدن به تسلط کس یا کسانی بر حق انتخاب دیگر انسان‌ها، در واقع شریک قرار دادن آن کس یا آن کسان با ذات الهی و شرک است. از نظر وی یکتاپرستی پایه‌ای برای آزادی بشر است (بازرگان، ۱۳۵۰، ص ۳۰۴-۳۰۵). از نظر وی سلب «حق گناه کردن» از انسان با تحمیل یک حکومت خودکامه و تمامی‌خواه، نفی طرح الهی و توحید است.

هسته اصلی اندیشه طالقانی در موضوعات گوناگون، نفی شرک است. او بر آن است که قرآن کریم، تسلیم شدن در برابر هر اراده شخصی را شرک به ذات و صفات خداوندی می‌داند؛ چه تسلیم به وسیله قهر و غلبه باشد یا از راه نفوذ در قلوب و عواطف. از اولی به «عبودیت» و از دومی به «ربوبیت» تعبیر شده و قیام تمام انبیا برای نجات از شرک و دعوت به توحید بوده است (نائینی، تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، ۱۳۶۱، ص ۲۶، ۲۸).

گروه فرقان که نگرشی رادیکال و خام به موضوعات دارد، با ادبیاتی برخاسته از تعلیمات شبه‌مارکسیستی، بر آن است که «خلاصه‌ترین تعریف توحید، نمود خارجی جنگ سراسری و دایمی موجودات برای حل تضادها و راه یافتن به تکامل برتر و بالاتر است» (کمالی، بی‌تا، ص ۴).

ب) جامعیت اسلام

جامعیت اسلام یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلام سیاسی است که در دوران مورد بحث نیز محور مناقشه بوده و تعابیر متفاوتی از آن وجود داشته است. محل مناقشه، تعریف و محدوده جامعیت اسلام در مرحله اجراست. امام خمینی یکی از منادیان جامعیت دین است. از دیدگاه ایشان، ادیان و به‌ویژه اسلام دربرگیرنده تمامی ابعاد بشرند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۸۷) و اسلام دارای برنامه و تز اداره جوامع است (همان، ج ۴، ص ۱۰).

مطهری، اسلام را مکتبی جامع و تمام‌عیار می‌انگارد که به تمامی نیازهای انسان توجه



دارد. از دیدگاه او، جامعیت دین به معنای جامعیت منابع دینی است که از درون آنها می‌توان حکم کلی یا جزئی موضوعات را دریافت (مطهری، ۱۳۶۸ ج ۲، ص ۲۴۱)؛ البته «جامعیت اسلام ایجاد می‌کند که اساساً در بسیاری از امور دستور نداشته باشد» (همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵). از دیدگاه مطهری، دین هیچ‌گاه در مسائلی که مردم می‌توانند تشخیص بدهند، دخالت مستقیم نمی‌کند و اساساً دخالت مستقیم کردن دین در این‌گونه مسائل، غلط است (همان، ج ۴، ص ۹۴۲).

بازرگان، جامعیت را به معنای ارتباط انسان، طبیعت و خدا و نیز شمول معارف دین می‌پذیرد (بازرگان، بی‌تا، ص ۴۵)، ولی معتقد است کمال دین به معنای برآوردن تمام نیازهای بشر از سوی متون دینی نیست، بلکه به معنای گشایش میدان وسیعی برای عقل و طبیعت است (همان).

شریعتی می‌کوشد اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی جامع و انقلابی معرفی کند و برتری‌های آن را در برابر ایدئولوژی‌هایی نظیر مارکسیسم و لیبرالیسم بیان کند (شریعتی، ۱۳۶۱، ج ۱۶، ص ۲۹). در نظر او، اسلام ایدئولوژی تام و تمامی است که تعیین‌کننده نظام سیاسی، اجتماعی، شیوه زندگی و تمامی ابعاد زندگی بشر است (همو، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۴۱). فرقان نیز به نقد تفقه حوزوی می‌پرداختند و آن را مابین با جامعیت قرآن می‌انگاشتند (کمالی، بی‌تا، ص ۱۸۴).

ج) مشروعیت و حاکمیت در اسلام (ولایت فقیه)

ماهیت ولایت فقیه و ویژگی‌های تئوریک آن، اساسی‌ترین مسئله در بحث ولایت فقیه است. مطهری معتقد است ولایت فقیه ولایت ایدئولوگ است. وی شأن روحانیون را در جامعه، شأن نظارت و تبلیغ آموزه‌های دینی می‌داند و خواستار عدم مداخله آنان در مناصب اجرایی کشور است. بر این اساس، باید میان آرای او جمع کرد و بهترین جمع آن است که او را معتقد به مشروعیت الهی - مردمی بدانیم؛ چنان که هیچ‌کس او را قایل به نظارت صرف ندانسته است (کدیور، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱).

البته از نظر مطهری حکومت اسلامی به معنای حکومت طبقه روحانی نیست. از این منظر، او ترجیح می‌دهد جز افتا و قضاوت و نظارت ایدئولوژیکی، روحانیون در امور اجرایی وارد نشوند (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶).

بهشتی نظام سیاسی شیعه را «نظام امت و امت» می‌داند و این الگو را به هر دو دوره حضور معصوم و نیز عصر غیبت تعمیم می‌دهد (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۴۰). او معتقد است فقیه در



جامعه، هم رهبری فقهاتی کند و هم رهبری ولایتی؛ یعنی باید نبض حکومت در دست فقیه باشد (همو، ۱۳۸۳، ص ۲۸۱-۲۸۴). بهشتی از نخستین فقیهانی است که در جمهوری اسلامی سخن از ولایت مطلقه نیز به میان می‌آورد و آن را در چارچوب مصالح عامه مردم تعریف می‌کند. البته به نظر می‌رسد ولایت مطلقه مدنظر وی مربوط به کلیت حاکمیت دینی و نه فقط شخص ولی فقیه است. (همان)

دیدگاه شریعتمداری درباره ولایت فقیه در ابتدای انقلاب روشن است. او اصل ولایت فقیه را مقبول می‌داند، ولی آن را محدود پنداشته، گستردگی آن را در چارچوب نظریه حربه نمی‌پذیرد و اصل را با حاکمیت رأی مردم برمی‌شمارد. اما گزارش‌هایی نیز از دیدگاه نسبتاً متفاوت وی پیش از انقلاب وجود دارد که وی بر اثبات منصب ولایت برای فقیه تأکید دارد (شریعتمداری، ۱۳۹۲ق). شریعتمداری گستره ولایت فقیه را در اصل ۱۱۰ به شدت رد می‌کند و آن را منافی با حاکمیت ملت می‌شمارد. (اطلاعات ۲۰ آذر ۱۳۵۸، ص ۲) وی از تصویر نادرست از ولایت فقیه سخن گفته، ثبوت آن را در صورت عدم وجود متصدی شرعی می‌داند. (اطلاعات ۲۲ آذر ۱۳۵۸)

بازرگان دولت را «ولایت، یعنی سرپرستی و تولید در اموال و امور» معرفی می‌کند که «مردم به صورت امانت» در اختیار حاکم گذاشته‌اند. از نظر او مسئولیت دولت سرپرستی کارها به وکالت و مأموریت از طرف ملت و با نظارت ملت و در چارچوب دستورات الهی است (بازرگان ۱۳۴۵، ص ۱۱۶).

سید محمدرضا گلپایگانی به ولایت انتصابی مقیده باور دارد. بر پایه این نظریه، اختیارات ولی فقیه در چارچوب احکام فرعی الهیه است و هیچ شرط و قانونی فراتر از آن پذیرفته نیست (کدیور، ۱۳۷۶، ص ۸۰-۱۰۰).

د) اسلام و حاکمیت ملی (مردم)

در اینجا چگونگی رابطه اسلام و حاکمیت مردم، رابطه با ولایت فقیه و اینکه اصالت با کدام یک است، محور مناقشه است. از دیدگاه مطهری، حاکمیت ملی منافاتی با حاکمیت الهی ندارد (مطهری ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۵۳-۵۵۴). او ظاهراً به تصویب صلاحیت حاکمان از سوی فقها و نه حکومت مستقیم آنان نظر دارد (همان، ج ۲۴، ص ۳۲۴). مطهری بر آن است که کلمه «جمهوری» شکل حکومت و کلمه «اسلامی» محتوای این حکومت را بیان می‌کند (همان، ص ۳۳۰).

بهشتی بر آن است که کسی نمی‌تواند تحت عنوان فقیه عادل باتقوا، آگاه به زمان و



شجاع، خودش را بر مردم تحمیل کند؛ این مردم هستند که باید او را به این صفات شناخته و پذیرفته باشند (مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ص ۳۷۸). او با این مطلب، بین «ولایت فقیه» و «حاکمیت ملت» تضاد نمی‌بیند (همان، ص ۵۲۳). بهشتی بر همین پایه بر چارچوب‌مندی ولایت فقیه و نهادمندی آن پا می‌فشرد (همان، ص ۱۶۰۴) و ولایت فقیه را نیز بخشی از حکومت و نه جدا از آن می‌انگارد (همان ص ۱۱۷۵-۱۱۷۶).

از نظر شریعت‌مداری اصالت با حاکمیت مردم در چارچوب قوانین دینی است و هیچ چیز نباید این اصل را به مخاطره اندازد. از نظر وی حفظ ارکان حاکمیت ملی در چارچوب تعالیم عالیه اسلام، ضروری و واجب است؛ زیرا اصالت و ماهیت همین حاکمیت ملی، حکومت جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد. از این رو، وی از تباین اختیارات فقیه در اصل ۱۱۰ با حاکمیت مردم سخن می‌گوید و معتقد است این اصل اختیارات مردم را از ملت سلب کرده و در نتیجه اصل ۱۱۰ با دو اصل ۶ و ۵۶ مخالف و متضاد است (خلق مسلمان، ۳ آذر ۱۳۵۸، ص ۲-۱؛ بامداد، ۲۶ مهر ۱۳۵۸).

بازرگان اداره اجتماع را از طریق شور و دموکراسی می‌داند و این را به آیات شوری مستند می‌نماید. وی با استناد به حدیث «الامامة لا تتعد حتى تحضرها عامة الناس» نقش اساسی را در حکومت به مردم می‌دهد و بر حکومت دموکراسی تصریح شده خود ذیل آیه فوق، تأکید می‌کند و بدین وسیله نهاد دین را در ردیف دیگر نهادهای اجتماع قرار می‌دهد (بازرگان، ۱۳۴۱، ص ۴۷).

جدول مهم‌ترین موضوعات مورد مناقشه دوره تأسیس

موضوع / جریان	اسلام‌گرایان خط امام	لیبرال‌های اسلامی	سوسیالیست‌های اسلامی	اسلام‌گرایان غیرخط امام
ابعاد سیاسی توحید	قانون‌گذاری در قلمرو الهی - جواز اطاعت انسان مورد تأیید خداوند - نفی جامعه بی‌طبقه	عدم جواز اطاعت انسان مطلقا - استبداد ملازم با شرک - نفی جامعه بی‌طبقه توحیدی	عدم جواز اطاعت انسان مطلقا - اجتماع بی‌طبقه توحیدی	قانون‌گذاری در قلمرو الهی - جواز اطاعت انسان مورد تأیید خداوند نفی جامعه بی‌طبقه توحیدی
جامعیت	جامعیت اسلام - دخالت و نظارت -	شمول معارف دین - نفی	دارای برنامه تام و تمام برای جهان -	جامعیت اسلام - دخالت و نظارت



	رخصت	بر آوردن تمام نیازهای بشر از سوی متون دینی	اسلام به عنوان یک ایدئولوژی جامع و انقلابی	
مشروعیت و حاکمیت	ولایت فقیه ولایت ایدئولوگ - نبض حکومت در دست فقیه	محدود و در چارچوب نظریه حسبه	عدم پذیرش	نبض حکومت در دست فقیه
اسلام و حاکمیت ملی	جمع حاکمیت ملی با ولایت فقیه در قانون اساسی - فقیه نمی تواند خودش را بر مردم تحمیل کند	تباین اختیارات فقیه در اصل ۱۱۰ با حاکمیت مردم	تباین اختیارات فقیه در اصل ۱۱۰ با حاکمیت مردم	عدم توجه به حاکمیت ملی

۶. صورت بندی تأثیر مناقشات کلامی - سیاسی بر رقابت های سیاسی دوره تأسیس در دوره تأسیس با فروپاشی نظم قدیم امکان ظهور گفتمان های فکری تازه فراهم می شود. در واقع زوال ثبات، خودبه خود به تکرر بی ثبات رقابت می انجامد. با الهام از الگوی ساندرز و تصرفاتی در آن، صورت بندی تأثیر را بدین شکل می توان بیان داشت.

الف) تغییر رژیم

در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ در میان گروه های اسلامی و جناح های اسلامی اصلی هیچ رویکرد تغییر رژیم دیده نمی شود. البته استثنایی وجود دارد و آن گروه فرقان است. فرقان از همان ابتدا رژیم سیاسی جدید را نپذیرفت و با آخوندستیزی حاد به مبارزه با آن پرداخت. جعفریان فرقان را برآمده از نظریه تشیع علوی و صفوی می داند (کردی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰). در سال های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ نیز اگرچه رفتارهای خشونت آمیزی به وجود آمد، سیاست اعلامی مبتنی بر تغییر رژیم دیده نمی شود.

ب) تغییر حکومت

تغییر حکومت به معنای تغییر کادر رهبری و قوای ناشی از آن است. براین اساس، فرقان در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ از طریق مبارزه مسلحانه به دنبال آن است؛ زیرا قدرتی در نفوذ در بدنه حکومت یا جامعه ندارد. در سال ۱۳۵۸ نیز از سوی گروه های چپ اسلامی تلاش برای تغییر دولت موقت صورت می گیرد.

ج) چالش‌های مسالمت‌آمیز

منظور از چالش‌های مسالمت‌آمیز، رفتارهای سیاسی مسالمت‌جویانه در رقابت سیاسی است. این تعریف نیز تعریف مناسبی است که آن را رقابت سیاسی مشروع و قانونی در چارچوب هنجارهای نظام سیاسی به‌منظور اتخاذ سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی و انتخاب رهبران بینگاریم (آل غفور، ۱۳۹۱، ص ۷۹).

یک - چالش‌های مسالمت‌آمیز مستقیم

اول - چالش‌های مستقیم حداکثری (مرام‌نامه‌ها)

مرام‌نامه‌ها، عینی‌ترین و نزدیک‌ترین جلوه‌گاه تأثیر مؤلفه‌های کلام سیاسی است. منابع دستیابی به مرام‌نامه احزاب در دوره تأسیس محدود است؛ باین‌حال به دو نمونه حزب جمهوری اسلامی در اردوگاه اسلام‌گرایان خط امام و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جناح سوسیالیست‌های اسلامی اشاره می‌کنیم.

در ابتدای مرام‌نامه حزب جمهوری، متأثر از مبانی کلامی - سیاسی به‌ویژه در زمینه توحید سیاسی، هدف حزب تداوم بخشیدن به انقلاب خلق مسلمان ایران در راه استقرار نظام عدل اسلامی در زمینه‌های معنوی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... بیان شده است (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۰). بر همین اساس تنظیم سیاست خارجی بر اساس دو اصل اسلامی توالی و تبری پیشنهاد شده است (همان، ص ۳۸۱). در این مرام‌نامه متأثر از انگاره جامعیت بر اساس رویکرد اجتهادی مؤسسان، جلوگیری از هر نوع تحجر و توقف به‌عنوان یکی از محورهای حزب تصریح گردیده است (همان، ص ۳۸۲). همچنین متأثر از مبانی کلامی - سیاسی استقرار نظام حق و عدل اسلامی، جلوگیری از محدود شدن تداوم مبارزه و تلاش‌های سازنده در گروه یا قشری معین در آن قید شده است.

بر اساس نگرش به آزادی سیاسی، برقراری آزادی‌های اساسی از قبیل آزادی بیان و قلم، آزادی اجتماعات و دیگر آزادی‌های انسانی ارزش‌آفرین که شرط لازم برای شکوفایی استعدادهاست، مورد توجه جدی قرار گرفته است (همان، ص ۳۸۰). بهشتی با عطف نگرش به مؤلفه‌های کلام سیاسی در تبیین برخی مفاد مرام‌نامه، تشکیلات سیاسی را بر محور اسلام خالص، اسلام کتاب و سنت و اسلام اجتهاد می‌خواند که نشانه‌اش اعتقاد به ضرورت رهبری مرجعیت دینی متعهد و آگاه، یعنی ولایت فقیه واجد شرایط است (همان، ص ۲۶).

در مقابل حزب جمهوری اسلامی و از درون گفتمان سوسیالیزم اسلامی، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را از نظر فراگیری و انسجام سازمانی و فکری - هرچند گرفتار





انحراف - می‌توان برای نمونه بررسی کرد. در کاوش‌ها مرام‌نامه‌ای از این سازمان نیمه‌علنی نیمه‌مخفی به دست نیامد، ولی از برخی کتاب‌های مورد تأیید سازمان، مانند *سُنَاحَت* و به‌ویژه کتاب *تبیین جهان* از مسعود رجوی می‌توان برخی اصول مرام‌نامه‌ای آن را استخراج کرد که بر مبانی کلام سیاسی مبتنی است.

از دیدگاه این سازمان، مبارزه اصلی عینی و اساسی است. از این‌رو، پروژه اسلام انقلابی بر اساس اصول علمی مبارزه که در مکتب مارکسیزم بدون اصول ماتریالیستی آن نهفته است، وجهه همت آن است. از دیدگاه این سازمان و بر اساس برداشتی رادیکال از توحید سیاسی، اسلام ایدئولوژی مبارزه برای تحقق جامعه بی‌طبقه توحیدی و نفی کامل استثمار است که به دلیل قرن‌ها تحریف و نفوذ تفکرات غیراصیل طبقاتی، نیازمند تصفیه و دوباره‌نگری است (رجوی، ۱۳۵۹، ص ۱۲).

سازمان مدعی است روش تحقیق همانند قرآن، نه آنچنان عقلانی و نه آنچنان حسی است (همان، ص ۱۰۹). رجوی با اشاره به آیه یکم سوره محمد، بر آن است که همه مناسبات، روابط و دیدگاه‌های ارتجاعی را باید دور ریخت؛ زیرا راه را بر تکامل بسته‌اند (همان، ص ۳۱۹). او بر همین اساس کافران را مانعان راه تکامل و در رأسشان امپریالیست‌ها معرفی می‌کند (همان، ص ۴۱۳). شرک نیز سرپیچی از جریان یگانه تکامل مطرح می‌شود (همان، ص ۴۶۷).

از این دیدگاه اجتهاد، پاسخ تطابقی ایدئولوژیک به مسائل روز برای باز کردن راه تکامل انسانی است (همان، ص ۵۷۵). محکمت قرآن اصول ثابت و متشابهات ابزار اجتهاد است که سازمان مجاهدین به کشف دینامیزم انقلابی قرآن موفق شده است (همان، ص ۵۷۷). براین‌اساس، اسلام به‌معنای شوریدن بر نظام‌های طاغوتی و طغیانگر است (همان، ص ۶۲۶). قرآن در حد تبیین و تفسیر جهان متوقف نمی‌شود، بلکه این تبیین و تفسیر را در خدمت تغییر جهان قرار می‌دهد (سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۲).

مجاهدین خلق نگرشی تمرکزگرا به حکومت اسلامی داشته، با خرافی دانستن دموکراسی غربی، حکومت اسلامی را متضمن نوعی اعمال قدرت جمعی در قالب «حکومت متقین» می‌شناسد. از این منظر این گروه صاحب تقوا [که سازمان خود را مصداق اتم آن می‌داند و روحانیت را ارتجاعی می‌خواند] خصوصیت ویژه‌اش «اهلیت»، یعنی آگاه‌ترین بودن از احوال اجتماعی است و جامعه را به طرف بنیادهای قرآن سوق می‌دهد (رضایی، بی‌تا، ص ۸).

دوم - چالش‌های مستقیم حداقلی (تأثیر بر مواضع و رویکردهای جریان‌ها)

یکی دیگر از جلوه‌های رقابت مسالمت‌آمیز به صورت مستقیم، مواضع و رویکردهای جناح‌های سیاسی و احزاب مندرج در آن است. در این دوره مسائل و مباحثی چون روحانیت، اجرای احکام و حدود، التقاط و ... متأثر از مبانی کلامی - سیاسی آماج موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های جناح‌های سیاسی قرار می‌گیرد.

• روحانیت

یکی از نقاط افتراق که در مبانی کلامی - سیاسی و به‌ویژه مبحث امامت و حاکمیت ریشه داشت، موضوع روحانیت است. از دیدگاه جناح اسلام‌گرای خط امام، روحانیت معیار سنجش درستی نگرش دینی است و در سپهر دولت دینی نقشی اساسی دارد. از این منظر روحانیت همزاد اسلام و پشتوانه آن است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۷) و «اسلام منهای روحانیت» خیانت است (همان، ج ۷، ص ۴۸۶). این نگرش در عین حال که به شدت به دنبال اصلاح ابعاد مختلف جامعه روحانی است و پیشنهادهای چندی نیز ارائه می‌دهد، با تمام وجود با نظریه اسلام منهای روحانیت به مخالفت برمی‌خیزد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۴، ص ۵۰۸).

از سوی دیگر، در جناح لیبرال اسلامی شریعت‌مداری به عدم حضور روحانیت در مناصب اجرایی معتقد است. او به روحانیت و مرجعیت بسان ناظر آگاه و دقیق می‌نگرد و شأن نظارت را بالاترین شأن می‌انگارد (اطلاعات، ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ص ۷). وی حضور متعارف روحانیون را جایز و نه لازم می‌داند (کیهان ۱۳۵۸/۲/۲۹، ص ۴).

بازرگان چندین اشکال بر روحانیت وارد می‌داند. عدم بنیان‌گذاری روحانیت از سوی انبیا (بازرگان، بی‌تا، ص ۴۶)، عدم دلالت آیه نفر بر دستگاه انحصاری روحانیت، عدم جواز واسطه‌گری روحانیت میان خدا و خلق (همو، ۱۳۶۲، ص ۱۵۹). اجرخواهی روحانیت (همو، ۱۳۴۱، ص ۹۴)، محدود بودن افق دید فقها (همان، ص ۹۷)، همراهی برخی روحانیون با مظاهر ظلم و فساد (همان، ص ۱۰۴)، محدودیت کار روحانیت به فقه و اصول، و نپرداختن به مسائل مهم مسلمین (همان، ۱۱۰) از شمار این اشکال‌هاست.

نگاه سوسیالیست‌های اسلامی به روحانیت، نگاهی شدیداً انتقادی و گاه حذفی است. شریعتی به بخش عمده‌ای از روحانیون و سازمان روحانیت نگاه انتقادی دارد. در واقع او از اندک روحانیت آگاه و انقلابی دفاع کرده و از روحانیت ناآگاه و غیرانقلابی که از دیدگاه او اکثریت‌اند، در حال انتقاد است. وی در *با مخاطب‌های آشنا* تر اسلام منهای آخوند را مطرح می‌کند و بر این باور است که با مرگ روحانیت رسمی، اسلام نخواهد مرد؛ اما همو می‌گوید:





همیشه قوی‌ترین، مؤمنانه‌ترین و متعصبانه‌ترین دفاع را از «روحانیت راستین و مترقی» جامعه «علمی درست و اصیل اسلامی» کرده‌ام (شریعتی، ۱۳۷۲، ج ۲۷، ص ۲۴۵). در همین جهت از منظر سازمان مجاهدین، یکی از مهم‌ترین موانع در برابر اسلام انقلابی، راست ارتجاعی (رجوی، ۱۳۵۹، ص ۱۵) یعنی روحانیت است.

فرقان نماینده گرایش حذفی و برکشیده نظریه «تشیع علوی و صفوی» شریعتی است. به اعتقاد اعضای گروه فرقان، حکومت جمهوری اسلامی تلاشی برای برقراری حاکمیت آخوندیسم بود. فرقان از روحانیت با عنوان «ارتجاع» نام می‌برد (کمالی، بی‌تا، ص ۱۸۴) و روحانیت و جمهوری اسلامی را مبتنی بر استبداد دینی می‌انگارد (کردی، ۱۳۸۷، ص ۵۷). بر همین پایه، تکیه فرقان بر واژگان آخوندیسم و دیکتاتوری آخوندیسم است. آرمان مستضعفین در کلیت اندیشه و روش، مواضع فکری فرقان را داشت، ولی همانند فرقانی‌ها به برخورد فیزیکی با روحانیت معتقد نبود؛ به عکس تأکید می‌کرد که باید با روش شریعتی با روحانیت برخورد کرد؛ یعنی باید مردم را از آنان گرفت، نه آنان را از مردم (آرمان مستضعفین، بی‌تا، ص ۴۹).

• اجرای احکام و حدود

یکی دیگر از مظاهر و نتایج مناقشات کلامی - سیاسی که به‌ویژه از دو بحث جامعیت و ولایت فقیه سرچشمه می‌گرفت، اجرای احکام و حدود است. درحالی‌که امام خمینی بر اجرای احکام و حدود نظر می‌دهد، شریعتمداری اجرای حدود را بر اجرای نظامات اسلامی و زمینه‌سازی برای آن متوقف می‌داند (بامداد، ۲۶ مهر ۱۳۵۸).

• التقاط اسلام و مارکسیسم

نحوه تعامل و مواجهه با مارکسیسم، یکی دیگر از نمودهای مناقشات کلامی - سیاسی به‌ویژه در باب توحید سیاسی در این دوره است. مطهری موضع شدیدی در قبال مارکسیسم و به‌خصوص آمیختگی آن با اسلام دارد. او تحریف شخصیت‌ها، تحریف آیات قرآن کریم و تفسیر مادی محتوای آیات را با حفظ پوشش ظاهری الفاظ، نیرنگ تازه مارکسیست‌ها می‌خواند (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۴-۳۱). مطهری با مطالعه آثار فرقان، متوجه مارکسیسم اسلامی در ایران و ورود اندیشه مادی‌گرایی به فهم و تفسیر قرآن شده بود (همو، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۵۸). او بر همین اساس به طرح بحث انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی پرداخته و اسلام انقلابی را متأثر از مبناهای مارکسیستی و ماتریالیستی انگاشته است. در اسلام انقلابی مبارزه و

انقلاب هدف بوده، اسلام وسیله‌ای برای مبارزه و انقلاب است (همان، ج ۲۴، ص ۱۷۲-۱۷۳). در مقابل سازمان مجاهدین خلق، مارکسیسم را «فرهنگ انقلابی عصر حاضر» و عینکی برای درست دیدن حقایق می‌شمرد (حنیف‌نژاد، ۱۳۵۷، ص ۶۷).

دو- تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی به‌صورت غیرمستقیم اول - چالش‌های غیرمستقیم حداکثری (شکل‌گیری احزاب جدید)

نخستین شکل اثرگذاری غیرمستقیم مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی که حالتی حداکثری دارد، شکل‌گیری احزاب جدید است. در جناح اسلام‌گرایان سیاسی طرفدار امام خمینی، مهم‌ترین حزبی که بر اساس مواضع کلامی - سیاسی به صحنه پا می‌گذارد، حزب جمهوری اسلامی است. پس از آن سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را باید نام برد که در کنار تشکل‌های سابق نظیر جامعه مدرسین حوزه و جامعه روحانیت مبارز تهران به فعالیت می‌پردازند.

در بیانیه اعلام موجودیت حزب جمهوری، به مبانی و مؤلفه‌های کلام سیاسی اشاره شده و هدف آن حرکت به سوی جامعه توحیدی، جامعه آباد و آزاد که در آن خودکامگی و ستم، تبعیض و استضعاف و استبداد نیست و انسان به‌درستی فقط بنده خداست، توصیف شده است (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۳۷۸). حزب به‌دست کسانی پایه‌گذاری شد که به وفاق و امتزاج کامل میان دیانت، سیاست، اسلام سیاسی و حضور آن در عرصه حکومت معتقد بودند. آنها به توانایی اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای زمان و اداره جامعه از راه کارهایی چون اجتهاد، باوری راسخ داشتند. در واقع باید آنان را نماینده روحانیت انقلابی، پیشرو، نواندیش، پایبند به اصول و حاکمیت اسلامی به‌شمار آورد و حزب را در این راستا ارزیابی کرد (جمهوری اسلامی، ۱۲ بهمن ۱۳۶۲).

موضوع دیگری که در جهت ماهیت اسلامی حزب قابل تفسیر است، نوع رابطه و نگرش حزب به مقوله امامت امت و مسئله ولایت فقیه است. در بینش حزب، تشکیلات اسلامی که مسلمان‌ها بدان نیاز دارند، باید در راستای امامت و در طول امامت و بازوی امامت باشد (همان). نیز سازمان مجاهدین انقلاب که ائتلاف هفت گروه اسلامی بود، در بیانیه اعلام موجودیت با آیه «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا» آغاز کرده و از زمینه‌سازی برای حکومت واحد امام زمان سخن گفته است (سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱-۱۴). این سازمان در بیانیه شماره ۲ که با آیات سوره نصر آغاز می‌شود، از تداوم مبارزه تا امامت و وراثت کامل مستضعفین برای اقامه قسط می‌گوید و از





ماهیت اسلامی انقلاب در برابر مدعیان دفاع می‌کند (همان، ص ۱۶-۱۸). این بیانیه بر نقش رهبری ولایت فقیه پا فشرده و رهبری را حق فقیه جامع‌الشرایط دانسته، آن را به آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ» مستند ساخته است (همان، ص ۲۵).

در جناح لیبرال اسلامی، نهضت آزادی با سرعت بیشتری به فعالیت خود ادامه می‌دهد، ولی حزب جدیدی با حمایت مادی و معنوی سید کاظم شریعتمداری شکل می‌گیرد. حزب «جمهوری اسلامی خلق مسلمان» حزب جدیدی است که در این جناح با بهره‌گیری از کلام سیاسی اصلاح‌طلبانه، بلافاصله پس از حزب جمهوری اسلامی در مورخه ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ از سوی ده نفر که آیت‌الله شریعتمداری اعلام کرده بود به آنها اطمینان دارد، پا به عرصه می‌گذارد. سیدهادی خسروشاهی به‌خوبی به تفاوت نگرش امام و شریعتمداری در برخی حوزه‌های کلامی - سیاسی مانند ولایت فقیه اشاره کرده است (نک: خسروشاهی، ۱۳۸۹).

دوم - تأثیر غیرمستقیم حداقلی (تأثیر بر حوادث و رخدادهای سیاسی)

تأثیر غیرمستقیم حداقلی، شکل دیگری از اثرگذاری غیرمستقیم مناقشات کلام سیاسی است که متضمن تأثیر بر حوادث و رخدادهای سیاسی است که در دوره تأسیس شاهد تراکم این رخدادها هستیم.

در جریان رفراندوم جمهوری اسلامی، بحث بر سر شکل نظام سیاسی به محل تلاقی گفتمان‌های کلامی - سیاسی مختلف در خصوص مؤلفه‌هایی چون مشروعیت و حاکمیت ملی تبدیل شد. در این جهت جناح لیبرال اسلامی تحت تأثیر نگرش کلامی خود، ابتدا طرفدار «جمهوری دموکراتیک اسلامی» بود (کیهان، ۳۰ بهمن ۱۳۵۷). استدلال بازرگان این بود که نباید انتخاب‌های متعدد را از مردم سلب کرد و آنان را تنها بر سر دو راه قرار داد. حسن نزیه عضو نهضت آزادی نیز قید اسلامی را ضروری ندانست (کیهان، ۲ اسفند ۱۳۵۷).

سید صادق روحانی طرفدار عنوان حکومت اسلامی بدون جمهوری بود. اما امام و مراجعی چون گلپایگانی و خویی بر جمهوری اسلامی تأکید ورزیدند. امام خمینی شدیداً با نظریه دموکراتیک اسلامی به مخالفت برخاست و آن را نشانی از نفوذ و نماد غرب‌زدگی برشمرد. ایشان فرمود فقط «جمهوری اسلامی»، نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۲۶۵ و ۳۵۳).

نمونه دیگر از چالش‌های سیاسی که متأثر از مبانی کلامی - سیاسی در زمینه تفسیر از حاکمیت و جامعیت اسلام و چگونگی اجرای ابعاد آن صورت پذیرفته بود، سخنان حسن نزیه در کانون و کلا بود. او گفت: «اگر ما فکر کنیم تمام مسائل سیاسی و اقتصادی و قضایی

را می‌توانیم در قالب اسلامی بسازیم، آیات عظام هم می‌دانند این امر در شرایط حاضر، نه مقدور است، نه ممکن، نه مفید» (کیهان ۷ خرداد ۱۳۵۸). دو روز بعد بهشتی در سخنانی با انتقاد از گفته‌های نزیه، این سخنان را مخالفت با حکومت اسلامی دانست و خواستار محاکمه نزیه شد (کیهان ۸ خرداد ۱۳۵۸).

انتخابات خبرگان قانون اساسی، آوردگاه چالشی دیگر بود که تضارب و تضاد دیدگاه‌های کلامی - سیاسی را در مقوله مشروعیت حکومت، ولایت فقیه و حاکمیت ملی روشن می‌ساخت. در این انتخابات، ائتلاف‌هایی صورت گرفت که بیشتر بر مبنای جناح‌بندی از مسائل کلامی - سیاسی بود. پس از توصیه امام خمینی، ده گروه جناح اسلام‌گرایان سیاسی طرفدار امام به رهبری حزب جمهوری اسلامی با هم ائتلاف کردند (جمهوری اسلامی، ۴ مرداد ۱۳۵۸، ۲۰۱) که طرفدار ولایت فقیه با اختیارات گسترده بودند. حزب خلق مسلمان به رهبری معنوی سید کاظم شریعتمداری و از مخالفان درج ولایت فقیه در قانون اساسی، نخستین حزبی بود که فهرست داد. گروه‌های چپ‌گرای اسلامی نیز که ناموافق با ولایت فقیه و نیز مالکیت خصوصی بودند، با هم ائتلاف کردند و با محوریت کاظم سامی «ائتلاف گروه‌های پنج‌گانه» را تشکیل دادند (کیهان، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰).

در مجلس خبرگان به‌رغم حضور طالقانی، منتظری به ریاست برگزیده شد که از اختلاف آرای اغلب روحانیون با طالقانی در برخی نگرش‌های کلامی - سیاسی خبر می‌داد. مهم‌ترین و جنجالی‌ترین بحث نیز ولایت فقیه بود که در درون روحانیت نیز مخالفانی چون حاجی کرمانی و گلزاده غفوری داشت. بعد از طرح و تصویب اصل ۱۱۰ که بر ولایت فقیه و اختیارات قانونی آن تصریح می‌کرد، شریعتمداری در مصاحبه‌های مکرر به مخالفت آشکار با اصل یادشده پرداخت و آن را مخالف اصل حاکمیت ملت دانست (خلق مسلمان، ۳ آذر ۱۳۵۸، ص ۱-۲). حزب خلق مسلمان با استناد به دیدگاه‌های شریعتمداری در اطلاعیه‌ای خواستار ابطال قانون اساسی گردید (خلق مسلمان، ۴ آذر ۱۳۵۸، ص ۷-۸).

همچنین در نخستین انتخابات ریاست جمهوری، ائتلاف‌هایی تازه متأثر از نگرش‌های کلان کلامی - سیاسی پدید آمد. در این انتخابات اگرچه رقابت اصلی میان اسلام‌گرایان سیاسی خط امام و ائتلاف سوسیالیست‌های اسلامی حول محور بنی‌صدر بود، میان اسلام‌گرایان سیاسی خط امام انشقاق پدید آمد و جامعه روحانیت مبارز تهران از بنی‌صدر حمایت کرد.



سیاسی، به‌ویژه جناح‌هایی با درون‌مایه اسلامی و ادبیات دینی بود. در این انتخابات ائتلاف‌هایی پدید آمد که کاملاً بر هندسه کلام سیاسی گروه‌های شرکت‌کننده در ائتلاف مبتنی است. در ۲۸ بهمن ۱۳۵۸ سران حزب جمهوری اسلامی در نامه‌ای گلایه‌آمیز به امام هشدار می‌دهند: علایم تکرار تاریخ مشروطه به چشم می‌خورد. متجددهای شرق‌زده و غرب‌زده به‌رغم تضادهای خودشان با هم، در بیرون راندن اسلام از انقلاب هم‌دست شده‌اند. تجربه شکست در انتخابات ریاست جمهوری دوره اول که عمده‌تاً از چنددستگی موجود در میان جناح اسلام‌گرای طرفدار امام سرچشمه گرفت، سبب شد این نیروها برای شرکت در انتخابات مجلس به دنبال نوعی ائتلاف باشند و سرانجام بر سر ارائه فهرست مشترک در تهران به توافق رسیدند. جناح لیبرال اسلامی گروه همنام را تشکیل داد. دفتر هماهنگی و همکاری‌های مردم با رئیس جمهوری، فهرست دیگر و سازمان مجاهدین و گروه‌های دیگر جناح سوسیالیست اسلامی نیز فهرست‌های جداگانه دادند.

اما پس از ریاست جمهوری بنی‌صدر اختلافات او و حزب جمهوری به‌تدریج افزایش یافت. این اختلاف اندک اندک با فاصله‌گیری بنی‌صدر از امام و برخی حامیان خود و ائتلاف با گروه‌های دیگری چون مجاهدین خلق دامنه بیشتری پیدا کرد. اگرچه نمی‌توان از سلاقی و گرایش‌های صرف سیاسی چشم پوشید، وجه گفتگویی و مفصل‌بندی کلامی - سیاسی آن بسیار قوی است. این مسئله در سه نامه‌ای که از سران حزب جمهوری به امام نوشته شده، آشکار می‌شود. در نامه نخست در بهمن ۱۳۵۸ در خصوص تکرار مشروطه هشدار می‌دهند. در نامه دیگری به تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ با امضای بهشتی وجوه کلامی - سیاسی اختلاف‌ها به تفصیل بیان می‌شود. او با بیانی نسبتاً منصفانه و قابل تحسین درباره وجوه اختلاف کلامی - سیاسی می‌نویسد:

یک بیش معتقد و ملتزم به فقاقت و اجتهاد، اجتهادی که در عین زنده بودن و پویا بودن، باید سخت ملتزم به وحی و تعهد در برابر کتاب و سنت باشد؛ بینش دیگر در پی اندیشه‌ها و برداشت‌های بینابین، که نه به کلی از وحی بریده است و نه آنچنان که باید و شاید در برابر آن متعهد و پایبند، و گفته‌ها و نوشته‌ها و کرده‌ها بر این موضوع بینابین گواه (بهشتی، ۲۲ اسفند ۱۳۵۹).

در نامه هاشمی رفسنجانی به امام در ۲۵ بهمن ۱۳۵۹ نیز بر این مسئله تأکید شده است

(نامه هاشمی به امام خمینی).

د) چالش‌های خشونت‌آمیز (تأثیر غیرمستقیم)

منظور از چالش‌های خشونت‌آمیز، رقابت‌های سیاسی خارج از چارچوب‌ها و هنجارهای قانونی و عرفی نظام سیاسی است. تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر چالش‌های خشونت‌آمیز - همان‌گونه که پیش از این بیان شد - عموماً به‌طور غیرمستقیم است.

یک - خشونت‌های لفظی

نخستین چالش در چالش‌های خشونت‌آمیز متأثر از مسائل کلام سیاسی که البته بیشتر غیرمستقیم و باواسطه است، خشونت‌های لفظی و نام‌گذاری‌های محتوایی است. در این دوره برچسب‌زنی و اتهام‌پراکنی با استفاده از ادبیات دینی فراوان است. روحانیت از سوی مجاهدین خلق (منافقین) و فرقان به «ارتجاع» متهم می‌شود. دولت موقت و بازرگانان از سوی سوسیالیست‌های اسلامی و به‌ویژه حبیب‌الله پیمان به «لیبرال» به‌عنوان برچسبی متهم‌کننده متصف می‌شوند که دیگران نیز آن را تکرار می‌کنند. به سوسیالیست‌های اسلامی نیز عنوان «التقاطی» داده می‌شود. در مجموع شعارها حالتی نفرت‌زا و قاعده‌شکن دارد.

دو - درگیری‌های خیابانی

وجه دیگری از رقابت‌های بی‌قاعده خشونت‌آمیز که عمدتاً ناشی از مناقشات کلامی - سیاسی است، درگیری‌های خیابانی است؛ درگیری‌هایی که به تشدید فضای بی‌قانونی دامن می‌زد و موجب آمیخته شدن حق و باطل می‌شد. دو سوی این درگیری‌ها سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و گروه‌های حزب الله بودند که از ادبیات دینی در ارائه دیدگاه‌ها و شعارهای خود بهره می‌بردند.

سه - ترورها

فرقان نخستین گروه خشونت‌ورز با استفاده از مفاهیم اسلامی بود. این گروه به ترور ولی‌الله قرنی، مرتضی مطهری، هاشمی رفسنجانی، مهدی عراقی و محمد مفتاح پرداخت. رهبر این گروه در چرایی ترور مطهری می‌گوید: وی اصطلاح «ماتریالیسم منافق» را جعل کرده و در دین اسلام بدعت گذاشته است و از آن، چماق تکفیری علیه بهترین فرزندان اسلام و قرآن ساخته است (واتقی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶). در سوی دیگر، فرقان در اعلامیه‌های ترور از آیات قرآنی استفاده می‌کرد؛ مثلاً در ترور بزرگان آیه «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» و در ترور مطهری آیه «يا ايها الذين آمنوا ان كثيرًا من الاحبار و الرهبان لتاكلون اموال الناس بالباطل» را در بالای اعلامیه

مربوطه آورده است (خسروشاهی، <http://www.khosroshahi.org>).



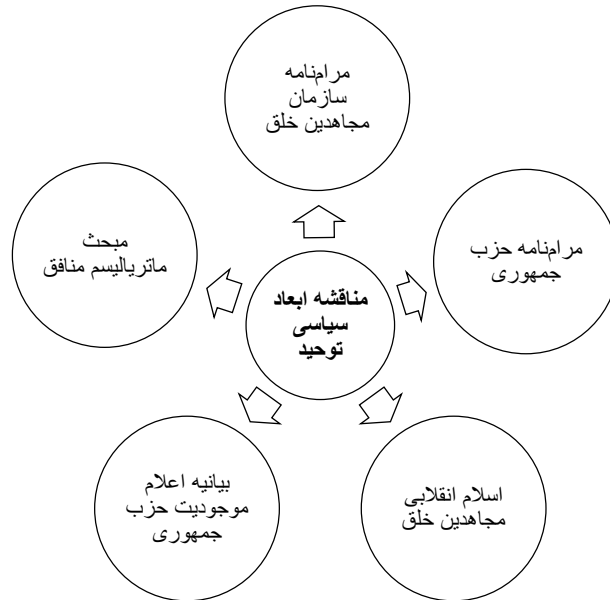
سازمان مجاهدین نیز در فاز نظامی خود بر بالای اعلامیه‌هایش همین روش را داشت. در ترور بزرگان از آیه «قاتلوا اولیاء الشیطان»، در ترور افراد عادی از آیه «و اضربوا منهم کل بنان» و در جریان انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی، چون سقف ساختمان خراب شده بود، از آیه «فَخَرَّ عَلَیْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ» استفاده کردند (مجاهد، ش ۱۵۸، ص ۲). رجوی در تحلیل ۳۰ خرداد با رویکردی ریاکارانه، حتی آن را نبرد تشیع انقلابی در راستای ظهور امام زمان و گاه نیز حرکتی عاشوراگونه می‌نامید (چشم‌انداز/ایران، ش ۳۹ شهریور و مهر ۱۳۸۵، ص ۳۰).

۷. نتیجه

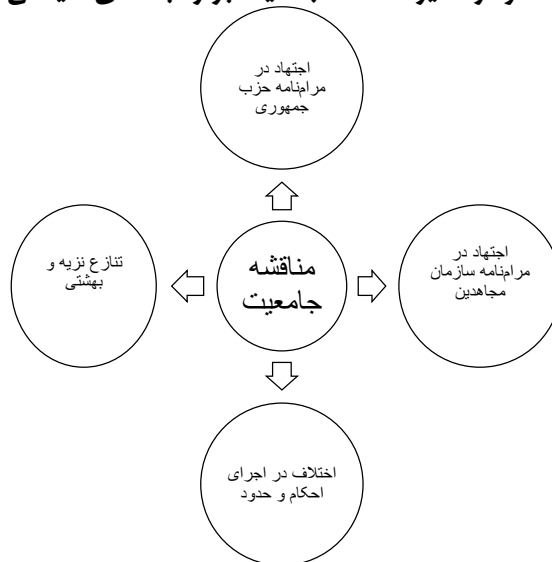
در دوره تأسیس، فضای رقابتی برای کسب، حفظ و مانور قدرت در سطوح گوناگون در میان این جریان‌ها پدید می‌آید. قدرت اصلی در دست رهبری انقلاب و فضای عمومی در دست اسلام‌گرایان است. شورای انقلاب و دولت موقت نهادهای مهم دیگری هستند که سامانه قدرت را رقم می‌زنند. از نظر ذهنی، انباشتی از تراث کلامی - سیاسی به همراه تولیدات جدیدی از آن از مشروطه بدین‌سو، بروز سه گفتمان اسلام سیاسی لیبرال، اسلام سیاسی فقهاتی و اسلام سیاسی چپ، وجود و اثرگذاری ایدئولوژی‌های مارکسیسم و انشعابات آن، لیبرال‌دموکراسی، سوسیال‌دموکراسی و ناسیونالیسم روندهای قدرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این دستگاه‌ها در موضوعات اصلی کلامی - سیاسی آن دوره دچار چالش‌اند. البته برخی چالش‌ها بیشتر و برخی چالش‌ها کمتر است. در همین عرصه مناقشات کلامی - سیاسی بر مواضع و رویکردهای جناح‌ها اثرگذار بود. سه مناقشه ابعاد سیاسی توحید، جامعیت، و مشروعیت و حاکمیت بیشترین نقش‌آفرینی را در فرایند مناقشات و روند رقابت‌های سیاسی دارند که در سه نمودار نمایش داده شده است.



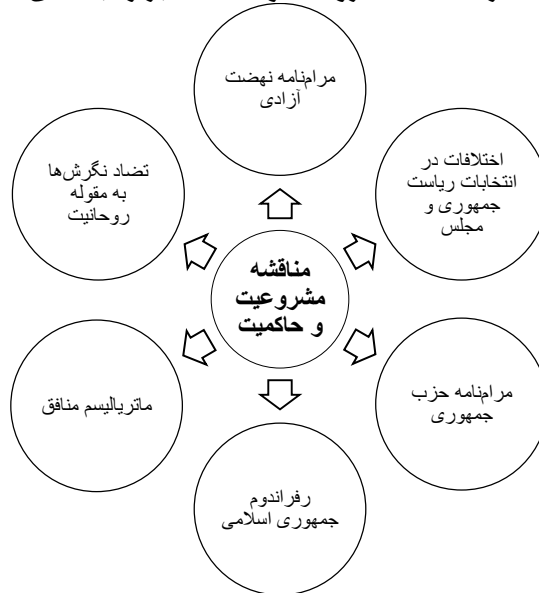
نمودار تأثیر مناقشه ابعاد سیاسی توحید بر رقابت‌های سیاسی



نمودار تأثیر مناقشه جامعیت بر رقابت‌های سیاسی



نمودار تأثیر مناقشه مشروعیت و حاکمیت بر رقابت‌های سیاسی



در این دوره اصلی‌ترین چهره خشونت‌ورزی و بی‌قاعدگی، آغاز ترورها از سوی فرقان و ادامه آن به‌دست مجاهدین خلق بود که این ترورها عمدتاً با استفاده از ادبیات اسلامی توجیه می‌گردید.



۸. منابع

- اسکینر، کوئینتن (۱۳۷۲)، *ماکیاولی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، طرح نو.
- *اطلاعات*، ۲۳ خرداد ۱۳۵۸؛ ۲۲ آبان ۱۳۵۸؛ ۲۰ آذر ۱۳۵۸.
- امام خمینی (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امجد، محمد (۱۳۸۰)، *ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری*، ترجمه حسین مفتخری، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- *آرمان مستضعفین* (بی‌تا)، «چه نیازی به حرکت شریعتی».
- آل‌غفور، سید محمد تقی (۱۳۹۱)، *پیامد سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران*، بی‌جا، بی‌نا.
- بازرگان، مهدی (۱۳۴۱)، *مرز میان دین و سیاست*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۴۵)، *بعثت و ایدئولوژی*، مشهد، انتشارات طلوع.
- _____ (۱۳۵۰)، *مدافعات*، تهران، اسلامی.
- _____ (۱۳۶۲)، *گمراهان*، تهران، نهضت آزادی ایران.
- _____ (۱۳۷۸)، *پادشاهی خدا*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- _____ (بی‌تا)، *راه طی شده*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- *بامداد*، ۲۶ مهر ۱۳۵۸.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- *بنیاد شهید انقلاب اسلامی* (بی‌تا)، *جاودانه تاریخ*، تهران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، واحد فرهنگی.
- بنی‌صدر، ابوالحسن (۱۳۵۴)، *اصول پایه و ضابطه‌های حکومت اسلامی*، بی‌جا، بی‌نا.
- _____ (۱۳۵۷)، *تقدی بر برجسب‌های ناچسب جهت طبقاتی اسلام*.
- _____ (بی‌تا)، *روش شناخت بر پایه توحید*، بی‌جا، بی‌نا.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۶)، *جهانی‌شدن و اسلام سیاسی در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ (تابستان ۱۳۸۲)، «چیستی کلام سیاسی»، *فصلنامه قیاسات*، شماره بیست و هشتم.
- _____ و مرضیه صفایی‌زاده (زمستان ۱۳۸۹)، «جریان‌شناسی تحولات سیاسی - فکری در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، شماره





- بیست و سوم.
- پورفرد، مسعود (۱۳۹۲)، صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تولی، جیمز (زمستان ۱۳۸۳)، «روش‌شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی»، ترجمه غلامرضا بهروزلک، فصلنامه علوم سیاسی، شماره بیست و هشتم.
- جمعی از دانشمندان (۱۳۴۱)، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- جمهوری اسلامی، ۱۲ بهمن ۱۳۶۲.
- جوادزاده، علیرضا (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، «نقش هویت ملی ایرانیان در فراز و فرود جریان‌های فکری سیاسی دهه اول جمهوری اسلامی»، مجله معرفت سیاسی، شماره چهارم.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، ولایت، رهبری، روحانیت، تهران، بقعه.
- _____ (۱۳۹۰)، حزب جمهوری اسلامی، گفتارها، گفتگوها، نوشتارها، تهران، روزنه.
- _____ (۱۳۹۰)، کیانوری و دیگران، آزادی، هرج و مرج، زورمداری، تهران، بنیاد نشر آثار شهید بهشتی.
- _____ (۱۳۹۰)، مبانی نظری قانون اساسی، تهران، بنیاد نشر آثار شهید بهشتی.
- _____ (۱۳۹۰)، نقش آزادی در تربیت کودکان، تهران، بنیاد نشر آثار شهید بهشتی.
- _____ (۱۳۵۹/۱۲/۲۲)، نامه خصوصی شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی به امام خمینی (ره).
- _____ (بی‌تا)، لیبرالیزم چه می‌گوید؟، بی‌جا: بی‌نا.
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۳)، مسئله‌شناسی مطالعات سیاسی - اسلامی، قم، بوستان کتاب.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹)، کلام جدید، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی.
- خسروشاهی، سیدهادی، «تأملاتی در اندیشه و عمل فرقه فرقان» در گفت‌وگوی مجله یادآور با استاد خسروشاهی، در: <http://www.khosroshahi.org>
- دارابی، علی (۱۳۷۹)، سیاستمداران اهل فیضیه، تهران، سیاست.
- _____ (۱۳۸۸)، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- داودی [گودرزی]، صادق (بی‌تا)، توحید و ابعاد گوناگون آن، بی‌جا، کاظمیه.
- رجوی، مسعود (۱۳۵۹)، تبیین جهان، کتاب اول، قواعد و مفهوم تکامل، سلسله سخنرانی‌های مسعود رجوی در دانشگاه شریف، تهران، انتشارات سازمان مجاهدین خلق.



- رضایی، احمد (بی‌تا)، *راه حسین [یا سیمای یک مسلمان]*، تهران، مجاهدین خلق ایران [افست از روی چاپ اروپای سازمان دانشجویان مسلمان].
- سازمان مجاهدین خلق ایران (۱۳۵۸)، *دینامیسم قرآن: چگونه قرآن پیام‌وریم*، بی‌جا، بی‌نا.
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰)، *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارها و جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)*، تهران، نشر نی.
- سیاوشی، سوزان (۱۳۸۰)، *لیبرال ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه محمدعلی قدسی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز)/ مؤسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- شریعتی، علی (۱۳۵۷)، *امت و امامت*، تهران، قلم.
- _____ (۱۳۶۱)، *اسلام‌شناسی*، تهران، قلم.
- _____ (۱۳۷۲)، *مجموعه آثار*، تهران، سهامی انتشار، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۷۴)، *ما و اقبال*، تهران، الهام.
- شفیعی، محمود (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران (مبتنی بر نظریه کنش اجتماعی)*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- شیروانی، علی و دیگران (۱۳۹۱)، *مباحثی در کلام جدید*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)، تهران، مجلس شورای اسلامی.
- _____ (۱۳۶۴)، تهران، مجلس شورای اسلامی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی.
- عمید، حسن (۱۳۷۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیر کبیر.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۷)، *دین و جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۸۹)، «الهیات سیاسی ادغام‌شده و الهیات سیاسی تمایز یافته؛ مقایسه بازرگان و حائری»، *مهرنامه شماره هشتم*.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۷)، *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران، عروج.
- _____ (۱۳۸۸)، *اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- کدیور، محسن (۱۳۷۶)، *نظریه‌های دولت در فقه شیعه*، تهران، نشر نی.
- کردی، علی (۱۳۸۷)، *گروه فرقان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- کمالی [گودرزی]، احسان (بی‌تا)، اصول تفکر قرآنی، کتاب دوم، توحید و ابعاد گوناگون آن، بی‌جا، بی‌نا.
- کیهان، ۳۰ بهمن ۱۳۵۷؛ ۲ اسفند ۱۳۵۷؛ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸؛ ۷ خرداد ۱۳۵۸؛ ۸ خرداد ۱۳۵۸؛ ۲۱ اسفند ۱۳۹۰.
- لاریجانی، صادق (زمستان ۱۳۷۵)، «کلام در روزگار ما»، فصلنامه نقد و نظر، شماره نهم.
- مجله چشم انداز ایران، (شهریور و مهر ۱۳۸۵)، شماره سی نهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)، پیامون جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۷۶)، امامت و رهبری، بی‌جا، بی‌تا.
- _____ (بی‌تا)، علل گرایش به مادیگری، تهران، انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۷۸)، علل گرایش به مادیگری، تهران، صدرا، چاپ هشتم.
- معین، محمد (۱۳۸۳)، فرهنگ معین، تهران، بوستان توحید.
- نائینی، محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه و پاورقی سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشارات.
- «نامه هاشمی رفسنجانی به امام خمینی» در: <http://www.rajanews.com/news/34572>
- نشریه خلق مسلمان، ۳ آذر ۱۳۵۸.
- نشریه مجاهد، شماره ۱۵۸.
- واثقی، محمدحسین (۱۳۷۸)، مصلح بیدار، تهران، انتشارات صدرا.
- واعظی، احمد (۱۳۷۵)، «ماهیت علم کلام جدید»، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره اول.
- ویژه‌نامه روزنامه جوان (نیمه خرداد ۱۳۸۹)، یادمان بیست و یکمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره).
- هالوی، الی (۱۳۵۷)، تاریخ سوسیالیسم اروپائی، ترجمه جمشید نبوی، تهران، دانشگاه تهران.
- یوسفیان، حسن (۱۳۹۰)، کلام جدید، تهران، سمت.

